روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی ■ سردبیر: روحا... رجایی

جام جم

■ شاپا: ISSN1735-3637
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۳ رمضان ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۶۴۵ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Monday - 2020 April 27

حدیث روز: بحارالانوار

امام علی (ع): روزه پرهیز از حرام‌ها است همچنان‌که شخص از خوردنی و نوشیدنی پرهیز می‌کند.

پلک احساس: اوحدی

لیلی اگر واقف شدی از ما چو مجنون، هر نفس
آشفته‌تر می‌شد زمن، دیوانه‌تر می‌شد ز تو

دعای روز سوم ماه مبارک رمضان

اللهمّ ارْزُقنی فیهِ الذِهنِ والتِنبیهِ وباعِدنی فیهِ من السِفاهة والتِمویهِ واجْعَل لی نصیباً مِنْ کلِ خَیْرٍ تَنزِلُ فیهِ بِجودِکِ یا أجْوَدِ الأجْوَدین.

خدایا روزی کن مرا در آن روز هوش وخودآگاهی را ودور بدار در آن روز از نادانی وگمراهی وقرار بده مرا بهره وفایده از هر چیزی که فرود آوردی در آن به بخشش خودت ای بخشنده ترین بخشندگان.

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۲ | غروب آفتاب: ۱۹/۴۹
اذان مغرب: ۲۰/۰۸ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۵
اذان صبح (فردا): ۴/۴۲ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۱۴

پیش‌بینی آب و هوا سه‌شنبه

تهران	اهواز	اراک	ارومیه	اصفهان	ساری	سنندج	یاسوج
۲۲ / ۱۳	۳۴ / ۲۱	۲۰ / ۴	۱۸ / ۷	۲۵ / ۹	۲۳ / ۱۳	۱۷ / ۶	۲۲ / ۹

امروز در تاریخ:
زادروز سیمین دانشور، نویسنده (۱۳۰۰ ش)
شهادت سروان خلبان علی‌اکبر شیرودی (۱۳۶۰ ش)

خودنویس

رمضان ما رمضان آنها...



حامد عسکری
شاعر و نویسنده

در چندسال گذشته، قسمتم بوده چند روزی از ماه مبارک رمضان را در کشورهای مسلمان کنار برادرانم باشم. دمشق، ترکیه و دبی و... رفتارهای رمضانی این عزیزان همیشه برایم جالب بوده‌است. رمضان بیشتر یک جشن است تا یک ماه عبادت. فروشگاه‌های برند و پوشاک جشنواره‌های پررنگی دارند. یک چیزی تو مایه‌های شب یلدای خودمان. آن سالی که دبی بودم در هتل ساکن نبودم، منزل دوستی ایرانی مهمان بودم. دم افطار خانه‌ها درشان را باز می‌کردند و توی هزار پشت غریبه راحت می‌توانستی بروی در خانه و با یک سلام و لبخند بنشینی و افطار کنی و بروی سراغ کار و زندگی‌ات. ساعات کار ادارات کمی تقلیل پیدا می‌کند و جشن به معنای واقعی اتفاق می‌افتد. این روزها به لطف شبکه‌های اجتماعی هم وقتی هشتگ رمضان را سرچ کنی باز بسیار می‌بینی که کار حتی به تزئین خانه‌ها هم کشیده و مثلا محمدصلاح، فوتبالیست معروف مصری عکسی منتشر کرده که دارد خانه خود را به سبک تزئین‌های کلاسی دهه فجر تزئین می‌کند و خوشحال است.

تاریخ قدیم ایران خصوصا تهران را هم که می‌خوانیم ما بی‌شباهت به رفتار این کشورها نبوده و رفته‌رفته بنا به دلایلی به این رسیدیم که می‌بینیم. این‌که ما درست پیشرفت کرده‌ایم و به اینجا رسیده‌ایم یا این‌که آنها هنوز توی همان روزگار جامانده‌اند، بحثی است که اثبات یا ردش اصحاب فن و متخصص می خواهد و کاری است نه در قواره من. اما به کلیت امر که فکر می‌کنی، می‌بینی اگر اسم جشن بگیرد با این فرمان که با خدا آشتی کرده‌ام و من را بخشیده خیلی مسائل‌مان خود به خود حل خواهد شد. و جا انداختنش برای روزه اولی‌ها و تازه تکلیف شده‌ها هم مشخص است... رمضان جشن است. قطعا یک جشن است، جشن بندگی که خدا حتی دست و پای شیطان را هم بسته‌است. حالا این‌که حال نداریم این شادی را برگزار کنیم و نمود جمعی داشته باشد، امری است علی حده.

گفت‌وگو با آناهیتا شیرودی در سالگرد شهادت پدرش؛ علی‌اکبر شیرودی

زن خوب پدر، انسانیت بود

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

در آغاز حمله عراق به ایران، خلبانان ایرانی در خط مقدم مبارزه بودند. خلبانانی که حتی نام آنها صدام را می‌ترساند. این را همه تاریخ‌نویسان و آنهایی که تجربه حضور در جبهه‌ها را دارند، می‌گویند. خلبانان ایرانی، ورزیده و کاربلد بودند و مهم‌تر این‌که نترس. آنها تصمیم داشتند صدام و دیکتاتوری‌اش را از بین ببرند و در این راه بسیاری از آنها شهید شدند. خلبانانی مانند شهید علی‌اکبر شیرودی، شهید کشوری، شهید بابایی، شهید عباس دوران و....

امروز ۳۹ سال از روزی که شهید شیرودی به شهادت رسیده، می‌گذرد به همین مناسبت با دخترش آناهیتا هم‌صحبت شدم. دختری که فرزند ارشد شهید شیرودی است، دکترای مدیریت دارد و مدیر مجموعه ورزشی شهید کشوری است. دو ساله بوده که پدرش شهید شده اما به گفته خودش روحیه‌اش کاملا شبیه پدرش است، نترس است و تلاش می‌کند در هر شرایطی حرف حق را بگوید.



کافه میرداماد

چند سال قبل کمپینی راه انداختید و این سوال را مطرح کردید: # پدرت-کجاست؟ حالا من از شما می‌پرسم، به نظرتان پدرتان کجاست؟

یک جای خوب. جایی که حتما بهتر از جایی است که ما الان در آن زندگی می‌کنیم.

شهید شیرودی چگونه آدمی بودند که به جایی بهتر رفت؟

آدمی بود که نمی‌توانست با آدم‌های امروزی و در این فضا زندگی کند و به نظرم بهتر که رفت و چنین اوضاعی را ندید.

دو ساله بودید که پدر شهید شد و خاطره‌ای از ایشان ندارید. بیشترین اطلاعاتی که درباره پدر گرفتید از مادر و اطرافیان بوده، آنها شهید شیرودی را چگونه آدمی توصیف می‌کردند؟

آن‌طور که اطرافیان می‌گویند، خصوصیات اخلاقی و رفتاری من شباهت زیادی به پدرم دارد. پدرم بسیار شجاع، نترس و مهربان بوده. اقتدار و جذبه‌اش مثال زدنی و با عموم مردم بسیار مهربان بوده و به آنها کمک می‌کرده. دیروز امیر قربانی، فرمانده کل هوانیروز از مجموعه ورزشی شهید کشوری بازدید کرد و گفت که پدرم زمانی که در سرپل ذهاب در حال جنگیدن با دشمن بود به مردم هم کمک می‌کرد و قدیمی‌های سرپل ذهاب و کرمانشاه هنوز خدمات پدر را به یاد دارند و با شنیدن نام او اشک در چشمانشان حلقه می‌زند چون در زمان جنگ هم از جان این مردم محافظت می‌کرد هم به آنها کمک غذایی و... می‌رساند. مردم شمال کشور هم از پدر خاطرات خوبی دارند. مردم تنکابن هنوز هم به‌یاد دارند که شهید شیرودی به کمک مردمی می‌رفت که در زمان کشت و دروی برنج نمی‌توانستند کارگر بگیرند.

می‌گویند عشق پدر و دختری یکی از زیباترین عشق‌هاست. از آخرین دیداری که پدر با شما داشت، چه خاطره‌ای را برایتان تعریف کرده‌اند؟

من فرزند ارشد خانواده هستم و همه برایم تعریف کرده‌اند که پدر خیلی دوستم داشته و هر وقت اسم مرا به زبان می‌آوردند یا دیگران درباره من صحبت می‌کردند، اشک پدر درمی‌آمده. حدود ۴۰ سال است پدرم شهید شده اما هنوز هم ارتباط خاصی با ایشان دارم. در همه موارد زندگی با ایشان مشورت می‌کنم. رابطه حسی با پدرم را حفظ کرده‌ام و اعتقاد دارم در همه شرایط پدر مراقب من است.

اشاره کردید مثل پدر نترس هستید. یک سری خصلت‌ها از طریق ژن به آدم‌ها منتقل می‌شود اما محیط هم در نوع سبک زندگی و رفتاری انسان‌ها بی‌تاثیر نیست، محیط و شرایطی که در آن رشد کردید، چقدر در تقویت ژن آقای شیرودی در شما موثر بود؟

ژنی که از پدر دریافت کردم خیلی قوی‌تر از شرایط محیطی است، اما تربیت مادرم را نمی‌توان نادیده گرفت. ایشان مرا جوری تربیت کرد که روی پای خودم بایستم و از پس کارهایم به تنهایی برآیم. معتقدم باید در هر شرایطی ارزش‌های انسانی را حفظ کنیم و چنین نباشد که برای حفظ موقعیت‌های خاص، حرف حق را نگوییم و از آدم‌هایی که به آنها ظلم می‌شود، حمایت نکنیم. پدر من در شرایطی مقابل بنی‌صدر ایستاد. به او گفتند که پادگان را خالی کن و برگرد اما فرمان بنی‌صدر را نادیده گرفت و با دو بالگرد آن منطقه را حفظ کرد. بعد که تشویقش کردند، آن را هم قبول نکرد. همه ما، به‌خصوص آنهایی که پست و منصب دارند و تصمیم‌گیرندگان نظام هستند باید شبیه شهید شیرودی متعهد باشند و برای حفظ موقعیت خودشان دست به هرکاری نزنند.

ژن خوب باید نشان دهنده میزان انسانیت و شرف باشد نه این که بگویی پدر و مادرم این‌ها هستند و من ژن خوبم

چند سال قبل چالش «ژن خوب» راه افتاد که خیلی‌ها را زیر سوال برد. شما با موضوع ژن خوب چه کردید؟

چالش فرزندت کجاست؟ بعد از طرح موضوع «ژن خوب» به وجود آمد. آن زمان یکی گفت من ژن خوب هستم و این کارها را انجام می‌دهم. ژن خوب این سوال را مطرح کرد که ژن خوب باید نشان دهنده میزان انسانیت و شرف باشد نه این که بگویی پدر و مادرم این‌ها هستند و من ژن خوبم! برخی از مسوولان در آن زمان گفتند که فرزندم دکترا و فلان تخصص را دارد و بیکار است. حرف‌هایی که باور کردنش دشوار بود. آن زمان به این فکر کردم که در دوره‌ای عده‌ای رفتند و برای حفظ آرمان‌هایشان جنگیدند و شهید شدند. جانبازانی را دیدم که در شرایط سختی زندگی می‌کردند بدون این که امتیازی بگیرند، چون باورشان این بود که برای آرمانشان جنگیده‌اند. اما برخی هم سوءاستفاده‌های زیادی از شرایط کردند بدون این که در راه حفظ ایران و انقلاب هزینه‌ای داده باشند.

وقتی شرایط به وجود آمد خود و فرزندانشان به بیت‌المال دست درازی کردند و موقعیت‌هایی را برای خودشان به وجود آوردند. آن زمان توییتی نوشتم و مطرح کردم که نگویید فرزندت کجاست؟ بگویید: «پدرت کجاست»؟ ما که از بچگی بی پدر شدیم و پدرم در یک امامزاده دورافتاده به شکل غریبی به خاک سپرده شد، چرا رفت و چگونه شهید شد. شهیدان برای حفظ آرمان‌های انقلابی‌شان به جنگ رفتند، آرمان‌هایی که مدت‌هاست برای دیگران مهم نیست.

به نظر شما فضای امروز جامعه با زمانه‌ای که پدرتان زندگی می‌کرد چه تفاوتی کرده است؟

اصلا قابل مقایسه نیستند. آدم‌های سال‌های ۵۷ تا ۶۰ را به هیچ عنوان نمی‌توان پیدا کرد. آدم‌هایی که بیشترشان شهید شده‌اند، از شهید همت و ستاری بگیر تا شهید سردار سلیمانی. این‌ها آدم‌هایی بودند که در همان سال‌ها برای دفاع از کشور و انقلاب به جبهه رفتند و جان‌شان را فدای تفکرشان کردند ولی این روزها این‌گونه افراد کم پیدا می‌شوند.

مقطع حساس کنونی

دیدار خسیس شرق با خسیس غرب



امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در منطقه شرق مردی زندگی می‌کرد که در تهرانپارس و نارمک و مجیدیه به خسیسی شهره بود و نه‌تنها خیری از او به دوستان و همسایگان و سایر بستگان و آشنایانش نمی‌رسید، بلکه خانواده‌اش نیز از دست وی در عذاب بودند. روزی یکی از دوستانش به او گفت: ای مرد خسیس، در منطقه غرب با مردی روبه‌رو شدم که به غایت خسیس بود و در پونک، جنت‌آباد و باغ فیض شهره بود به‌حدی که تو پیش او هیچ نیستی. مرد خسیس که گمان نمی‌کرد خسیس‌تر از او در شهر وجود داشته باشد برخاست و به نزد مرد خسیس رفت و گفت: ای مرد خسیس، من خسیس‌ترین شخص منطقه شرق هستم. شنیده‌ام تو نیز خسیس‌ترین مرد منطقه غرب هستی. آمده‌ام تا از تو چیزی یاد بگیرم و در دست پیشرفت کنم. مرد خسیس گفت: من هرچه می‌دانم در طبق اخلاص می‌گذارم. سپس از وی دعوت کرد تا به داخل خانه برود و خود به آشپزخانه رفت تا با دو لقمه نان و پنیر از وی پذیرایی کند، اما دید در خانه چیزی برای خوردن نیست. پس با سوپردریانی تماس گرفت و گفت: پنیر داری؟ سوپردریانی گفت: بلی، پنیر دارم نرم و لطیف همچون خامه. مرد خسیس گفت: ها. خامه. خامه داری؟ سوپردریانی گفت: بلی، خامه دارم چرب و روان همچون روغن نباتی.

مرد خسیس گفت: روغن نباتی صنعتی تراریخته ارزان‌قیمت؟ سوپردریانی گفت: بلی. به‌شدت ارزان. مرد خسیس گفت: داری؟ سوپردریانی گفت: بلی، روغن نباتی دارم شفاف و روان همچون آب. مرد خسیس گفت: ها، آب. آب داری؟ وی بلافاصله افزود: ولش کن، خودمان داریم. سپس تلفن را قطع کرد و نصف لیوان آب همراه نان لواش برای مرد خسیس شماره یك برد و ماجرا را تعریف کرد. مرد خسیس که سطح بالای خست مرد خسیس را دید خاموش شد و دست‌های او را بوسید و مرد خسیس او را هل داد و روشن کرد و به‌سمت منطقه شرق فرستاد.

مهد رفاه در دوره کرونا



آمریکا تا قبل از کرونا بر سرزبان‌ها بود به‌دلیل داشتن مردمی مرفه، اقتصادی پایدار، علم پیشرفته و... اما آمریکا در دوران کرونا بر سر زبان‌هاست چون آمار مبتلا به کرونا در این کشور بالاست و مردم برخی از ایالاتش واکنش‌هایی به کرونا نشان دادند که از آدم‌های ساکن یکی از توسعه‌یافته‌ترین کشورهای دنیا بعید به نظر می‌رسید؛ رفتارهایی که فقط از گاوچران‌های آمریکایی برمی‌آید. این که با اسلحه به خیابان بیایی و به قرنطینه یا محدودیت رفت و آمد اعتراض کنی، چیزی شبیه فیلم‌های کمدی، هالیوود است. کرونا البته نشان داد که مردم آمریکا چندان هم پایبند قانون و تمکین نیستند. در عکسی که سی‌ان‌ان از یک اتوبوس شهری نیویورک منتشر کرد، برخی از مسافران از ماسک استفاده کرده‌اند، برخی نه. استفاده از دستکش هم چندان دغدغه‌شان نیست و احتمالا خلوتی اتوبوس باعث شده که فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنند.

متفاوت‌ترین رمضان

بیشتر از هزار و چهارصد سال است که مسلمانان ماه رمضان روزه می‌گیرند. مهم نیست که ماه رمضان در چه فصل و ماهی باشد. مهم نیست خشکسالی و قحطی باشد یا فراوانی. مهم نیست صلح باشد یا جنگ. روزه یک تکلیف شرعی است که باید به جا آورده شود. حالا که کرونا آمده و همه قواعد را تغییر داده باز هم برای آنهایی که روزه را تکلیف دینی می‌دانند، روزه گرفتن سرجایش هست. فقط کمی شرایط اجتماعی تغییر کرده و فاصله‌ها باید رعایت شود. مسلمانان برخی کشورها برای ادای نماز جماعت به مساجد می‌روند و با رعایت فاصله‌گذاری نماز می‌خوانند. سایت Investing عکسی از مسلمانان بنگلادش منتشر کرد که در ماه رمضان در مسجدی در حال نماز خواندن هستند.



عکس: Investing

حمله در سکوت



کرونا به مفهوم کامل کلمه به ایتالیا حمله کرد و این مردمان شاد و پر از حس زندگی را برای دوره‌ای متوقف و خانه‌نشین کرد. قرنطینه برخی شهرهای ایتالیا، سبک زندگی و روحیه مردم این کشور را اما نابود نکرد، آنها با شادی و موسیقی مقابل کرونا ایستادند و اخباری که از ایتالیای دوره کرونا می‌رسد از همدلی مردم این کشور با یکدیگر خبر می‌دهد. تایم عکسی از یک سالمند ایتالیایی را منتشر کرده که مامور خدمات بهداشتی به بالین او آمده و در حال گرفتن تست کرونا از اوست و سطح اکسیژن خونش را اندازه می‌گیرد. این عکس را لورنزو ملونی گرفته که در دوره کرونا تقریبا به سراسر ایتالیا سفر کرده و با عکس‌هایش نشان داده که این بیماری چگونه در سکوت همه کشورش را آلوده کرده است.

میوه‌فروش غمگین



طبق آمار، اقتصاد در دوره کرونا شکننده شده، هم کسب و کارهای خُرد هم کلان. همه جهان بحرانی را سپری می‌کنند که در تاریخ ماندگار خواهد شد. کرونا، نفس‌های اقتصاد را به شماره انداخت. اسپانیا یکی از کشورهایی است که از کرونا بیشترین آسیب را دید. تلفاتش سنگین بود و دوره قرنطینه‌هایش طولانی. در کنار همه اینها اما مردمش نشان دادند که به قانون تمکین دارند و مردمانی به اصطلاح متمدن هستند. آسوشیتدپرس (AP) عکسی از یک فروشنده میوه در شهر پامپلونا منتشر کرده که بعد از دوره قرنطینه مغازه‌اش را باز کرده اما چهره‌اش از زیر ماسک نشان می‌دهد از شرایط فروش راضی نیست. یکی از نکات جالب این عکس، شباهت میوه‌فروشی در شهر پامپلو با میوه‌فروشی‌های ایران است.